

# اسلام و مدرنیته: روحیات نسل جدید در عربستان سعودی<sup>۱</sup>

دکتر مای یمانی<sup>۲</sup>

ترجمه: شهرام ترابی

آثار اجتماعی اقتصاد جهانی بر کشورهای نظیر عربستان سعودی، اجتناب‌ناپذیر است. جوانان سعودی، نسل ساخته و پرداخته‌ی دوران اقتصاد پر رونق نفتی، مطابق اصول اسلام آموزش دیده و پرورش یافته‌اند. اما با وجود تلاش دولت عربستان برای به بند کشیدن روند جهان‌گرایی، به جهت هجوم بی‌سابقه‌ی فن‌آوری‌های جدید، ازدیاد مسافرت و جهانگردی و نیز رسانه‌های جمعی، به خصوص ماهواره‌ها، اعتقادات و طرز تفکرات جدیدی، چه در محیط آموزشی و چه در محیط خانواده در حال شکل‌گیری است. این مقاله می‌کوشد از روحیه‌ی تازه‌یی که در نسل جدید عربستان سعودی در حال ظهور است، تصویری کلی ارائه دهد. روحیه‌ی که به واسطه‌ی دگرگونی‌های اقتصادی و فشارهای جهانی با ابهام‌ها و تناقضاتی روبه‌رو است. این مقاله هم چنین می‌کوشد میان روحیه‌ی نوظهور نسل جوان و اصول اعتقادی اسلام، سازش برقرار نماید.

می‌توان تکاپوی نسل جوان را در چارچوبی از یقین و تردید درک کرد. یقین و اعتماد به اسلام، از تاریخ و فرهنگ عربستان که تصویری از تداوم و یک‌نواختی فرهنگی به دست

۱. این مقاله در نهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس در تهران (اسفند ۱۳۷۷) ارائه گردید.

۲. خانم مای یمانی، فرزند زکی یمانی (وزیر نفت سابق عربستان) و دارای دکترای سیاسی از انگلستان است.

می‌دهد، ناشی می‌شود. تغییر و به تبع آن تردید، نتیجه‌ی جهان‌گرایی روبه رشد فرهنگ مصرفی و بین‌المللی شدن تولید است. قیمت پایین نفت، تردیدهایی را در باورهای گذشته به وجود آورده و بر وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه، تأثیر گذاشته است. اسلام مظهر یقین و اعتماد است، اما باورهایی نو که جهان‌گرایی عرضه می‌دارد، با شیوه‌ی متعارف زندگی در عربستان، به چالش برخاسته و آن را تهدید می‌کند.

افزایش جمعیت - حاصل سال‌های رونق نفتی - موجب شده‌است که وضعیت نسل جوان در مرکز توجه برنامه‌های آینده‌ی دولت عربستان سعودی قرار گیرد. درصد بالای جوانان در ترکیب جمعیتی کشور آنها را به تنهایی به مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در سرنوشت سیاسی ده‌ساله‌ی آتی کشور مبدل ساخته است. یک مجله‌ی سعودی - سعودی گازت - تخمین زده‌است بیش از ۵۰ درصد جمعیت، زیر ۱۵ سال و تنها ۱۷ درصد از جمعیت بالای ۴۰ سال سن دارند. اگر این آمار اندکی هم صحت داشته باشد، پادشاهی سعودی - همانند دیگر کشورهای تولیدکننده‌ی نفتی همسایه - با مشکل عمده‌یی برای جذب نیروی جوانش در بازار کار مواجه خواهد بود. در حال حاضر حدود ۳/۵ میلیون سعودی (۲۷ درصد جمعیت) در مدارس، دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها هستند. انتظار می‌رود در سال ۲۰۰۰ حدود ۶۶۰/۰۰۰ تبعه‌ی سعودی وارد بازار کار شوند. اگر بتوان از تأثیری که عدم امنیت اقتصادی همراه با هجوم فرهنگ جهانی بر جای می‌گذارد، محک و ارزیابی دقیقی به دست داد، آن وقت چالش عظیمی که عربستان سعودی در سال‌های آتی با آن روبه‌رو خواهد بود، بهتر قابل درک است.

نسل جدید در عربستان سعودی با تردیدهای اقتصادی و فرهنگی روبه‌روست و این امر در او ایجاد ترس و ناامنی و احساس ضربه‌پذیر بودن می‌کند. در پی این دوران تحولات سریع اجتماعی و اقتصادی که حاصلش رشد شدید ارقام جمعیت افزایش فوق‌العاده و مداوم کارگران خارجی بود کاهش درآمد نفت نیز موجب شد که اوضاع آینده نامطمئن‌تر جلوه کند. از آغاز دستیابی به ثروت‌های نفتی تا به حال این نخستین بار و نخستین نسلی است که نمی‌تواند بپذیرد وضع زندگی‌اش روبه بهبود است. نسل جدید از دید و تجربه‌یی وسیع‌تر و متنوع‌تر نسبت به نسل گذشته برخوردار است. این خصوصیت در ایجاد روابط میان آنها با

نسل قدیم ایجاد مانع می‌کند. جوانان در پی یافتن علت محدودیت‌های فرهنگی هستند که نسبت به آنان اعمال می‌شود. در نتیجه به ایستادگی و مقاومت در برابر قوانین و مقررات دست زده‌اند.

درجه و میزان تحولی را که صورت گرفته‌است و این که تا چه حد این تحولات اوضاع جامعه و معیارهای فرهنگی مردم در عربستان را به طور اساسی تغییر داده را با آرایه‌ی مثالی از تجربه‌ی زندگی عادی خانواده‌های سعودی در سه نسل متوالی در یک محدوده‌ی زمانی شصت ساله می‌توان نشان داد. پدربزرگ‌های این خانواده، متولد دهه‌ی ۱۹۳۰، در شهری پرورش یافته و بزرگ شده بودند که با تأسیس حکومت پادشاهی در این سرزمین، بیابانی تازه بر پا شده بود و ساکنان آن را عمدتاً کوچ‌نشینان روستایی تشکیل می‌دادند. آنها لباس‌های محلی می‌پوشیدند و غذاهای خاصی داشتند که با آب و هوای محلی سازگار بود. افق دید تصورات پدربزرگ‌ها (افق دید عملی نه مذهبی) از حدآبادی و شهر محل سکونت آنها فراتر نمی‌رفت. تنها وسیله‌ی حمل و نقل آنها پای پیاده و چندی بعد تعدادی کامیون بود. سفر تنها یکبار در طول زندگی، صورت می‌گرفت که آن هم معمولاً به مکه بود. زراعت معیشتی وجه غالب فعالیت آنها بود و زندگی عمدتاً در اطراف منابع محدود آبی سازمان داده می‌شد. تا جایی که به تحصیلات و آموزش مربوط می‌شود، دانش پدربزرگ‌ها محدود به تعلیمات مذهبی از روی کتاب، مطالعه‌ی قرآن و امور محلی و قبیله‌یی بود.

پدران خانواده‌های فعلی عربستان سعودی، نسل دوم، در سال‌های دهه‌ی ۵۰ زمانی به دنیا آمدند که وحدت ملی با لباس متحدالشکل و تحصیلات مبتنی بر ارزش‌های ملی تحقق یافته بود و این زمان آغاز کار ارتباطات همگانی مانند رادیو و انتشار نخستین روزنامه در کشور بود. سفر به همه‌ی نقاط کشور امری عادی شده بود. اگر پدر [نسل دوم] قصد ادامه‌ی تحصیلات در سطح عالی را داشت، حتماً دانشگاه‌های ایالات متحده را برای این کار انتخاب می‌کرد و هزینه‌ی زندگی و تحصیل در خارج هم توسط کمک‌های مالی دولت تأمین می‌شد. وقتی هم به کشور باز می‌گشت در بخش دولتی به کار اشتغال می‌یافت و صاحب شغل و مقام می‌گردید. در طول دهه‌ی ۷۰، دستمزدی که در بخش دولتی یا در صنعت نفت پرداخت

می‌شد، به او اجازه می‌داد برای خانواده‌ی پراولادش یک زندگی راحت و آرام فراهم آورد، چیزی که تصور آن برای والدین نسل قبل او غیرممکن بود. بهره‌مندی از مراقبت‌های بهداشتی، طب جدید، خانه‌های بزرگ و نیز وسایل آسایش و استراحت موجب کاهش شدید میزان مرگ‌ومیر نوزادان شد. رونق زاد و ولد - حاصل این اوضاع - میزان جمعیت را تا حد زیادی بالا برد.

نتیجه‌ی آن افزایش جمعیت، نسل سومی است که اکنون کانون توجه می‌باشد. اینها کسانی هستند که در اوج رونق نفتی دهه‌ی هفتاد (سال‌های ۷۹-۱۹۷۳) به دنیا آمده‌اند. آنها هیچ چیز از دوران گذشته، یعنی دوران بهره‌مندی از ثروت نفت را به خاطر ندارند. تمام تصور آنها از «سنت» و از وجود یک زندگی بدوی در گذشته، این که وقتی آنها زندگی بیابانی داشته‌اند، از طریق داستان‌ها و قصه‌هایی که برای آنها گفته شده و خاطراتی که پدرها و پدربزرگ‌ها برای آنها تعریف کرده‌اند، ایجاد شده‌است. فرزندان در طول سال‌های رشد خود، برخوردار از تحصیلات همگانی رایگان، مسافرت دایم به خارج، استفاده از ویدیو و تلویزیون و اخیراً ماهواره را امور مسلمی تلقی می‌کرده‌اند. قسمت مهمی از زندگی آنها به داشتن «خدمتکاران» خارجی و پرستارهایی که آنها را بزرگ می‌کنند، مربوط می‌شد. حال آنها با مجموعه‌ی اعتقاداتی کاملاً نامشخص راجع به «سنت» و «مدرنیته» دست به گریبان گشته‌اند. آنها، به واسطه‌ی مشاهداتی که در سفرها داشته‌اند و تحصیلاتی که کرده‌اند، به مراتب بیش از نسل پدران خود می‌دانند. اما این خود ایجاد مشکل می‌کند. هنوز انتظار می‌رود که آنها از «سنت‌های» نسل پیشین خود تبعیت کنند و به دستورها و نصایح آنها گوش دهند.

اما باز شدن چشم و گوش آنها بر روی دنیایی پهناور، مانع بزرگی بر سرراه تسلیم بی‌قید و شرط آنان به نسل گذشته است. تغییرات چنان به سرعت روی داده‌است که آنها هنوز معیار فرهنگی مشخصی که بتواند وضع خود و آینده‌ی جامعه را با آن محک بزنند در اختیار ندارند. لباسی که آنها می‌پوشند و غذایی که آنها می‌خورند، نشانگر ابهام و تنش است که این وضع به وجود آورده‌است. مدل‌های غربی الهام گرفته از ماهواره‌ها و فرهنگ مسلط آمریکایی با فرهنگ سعودی و لباس ملی و قواعد تربیتی اسلامی درهم آمیخته است. سؤالات

بی‌پاسخی که نسل جدید را عذاب می‌دهد، بسیارند: آیا به آنها فرصت داده خواهد شد مهارت‌ها و مفاهیمی را که در نظام آموزشی پرهزینه‌یی که مخارج آن را خود دولت پرداخته بود به شکل مفید و سودمندی به کارگیرند؟ آیا آنها تضمین شغلی خواهند داشت و دست کم از سطح زندگی پدرانشان برخوردار خواهند بود؟ مسأله‌ی مهم این است که اساساً آنها که هستند؟ مینا و مرجع هویت آنها چیست؟

در پی دگرگونی شگفت‌آور فرهنگی، نسل جوان فاقد آن یقین و اعتماد به نفسی است که پدربزرگان آنها - روستازادگانی که موقعیت و نقش آنها در زندگی ثابت و قابل پیش‌بینی بود - از آن برخوردار بودند. آنها هم چنین امنیت اقتصادی را که پدرانشان در زمان وفور درآمدهای نفتی داشتند، ندارند. انتخاب‌های متضاد و آینده‌ی نامشخصی که پیش روی نسل جدید قرار دارد، در نظر آنها دنیایی پرمخاطره و تهدیدآمیز را جلوه‌گر می‌سازد. البته هنوز فرصت‌ها و امکاناتی نظیر خانه، غذا و دیگر مواهب مادی وجود دارد، اما توسعه‌ی سریع شهرنشینی سبب بروز احساس جدایی آنها از هویت اصلی آنها شده‌است. انتقال محل زندگی در ظرف دو نسل از دهکده و واهه‌یی که همه چیزش را خودش تأمین می‌کرد و ارتباط خیلی ضعیفی با دنیای خارج داشت به شهرهای مدرن در قلب منطقه‌یی حساس که دایم دست‌خوش تأثیرات جهانی است، هویت این جوانان را مورد هجوم قرار داده و شیوه‌ی زندگی بسیار سطحی و مبهمی را برای آنها پیش آورده‌است. مشکلاتی را که نسل جوان با آن روبه‌روست به دو دسته‌ی کلی می‌توان تقسیم نمود: نخستین و قابل ملاحظه‌ترین آنها دگرگون شدن وضعیت اقتصادی و دوم جهان‌گرا شدن فرهنگ است.

## خانواده و تحصیلات

اسلام مبنایی عقیدتی برای زندگی اجتماعی در عربستان فراهم می‌آورد، اما یگانگی خانوادگی یک جنبه‌ی ذاتی در سلسله مراتب و نموده‌های اجتماعی عربستان است. در چارچوب ساختار گسترده‌ی خانوادگی، یک الگوی مسلط اجتماعی اجدادی، قومیتی و پدرسالاری قرار دارد که با ارزش‌های قومی افتخار و شرم تقویت می‌شود. مهاجرت به مناطق

شهری، تعداد خانواده‌ها را توسعه داده‌است، اما ساختار خانواده گسترده و بزرگ (شامل همه‌ی اقوام و بستگان) هنوز عامل مهمی در تعیین هویت، شخصیت و موقعیت اجتماعی افراد است. خانواده نقش اول را در روابط اجتماعی، دوستی‌ها، حمایت‌های معنوی و کمک‌های اقتصادی دارد. بنابراین در مواجهه با تندبادهای تغییر اقتصادی و فشار جهان‌گرایی، خانواده تلاش می‌کند سنت‌های خود را حفظ کند و اعتماد اسلامی خود را نگهدارد.

در محیط اجتماعی که نسل قبلی آن دستخوش نوگرایی سریع بوده‌است، آموزش و تحصیل دانش، شیوه‌ی مناسب دیگری است که از آن طریق می‌توان ارزش‌های اجتماعی مورد نظر را انتقال داد. آموزش وسیله‌ی است که از طریق آن می‌توان روحیه‌ی جوانان را شکل داد. دولت تعلیمات اسلامی را که از طریق واگذار نمودن حق نظارت و کنترل در مورد سیاست‌های آموزشی به علما حتی در دانشگاه‌های سکولار ادامه دارد، تضمین می‌کند و از این طریق نفوذ قوی تعلیمات اسلامی را در برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها موجب می‌شود. نه تنها هدف از آموزش ایجاد و تقویت روحیه‌ی سنتی در افراد است بلکه محدودیت در آشنایی با فرهنگ‌ها و اعتقادات بیگانه هم وجود دارد و به همین منظور افراد غیرسعودی از مدارس دولتی بیرون نگهداشته می‌شوند.

نظام آموزشی سعودی بر انتقال هنجارهای فرهنگی مورد نظر تأکید دارد. به طور مثال در ۱۹۹۰ یک چهارم دانشجویان در دانشگاه‌های اسلامی ثبت نام کرده بودند. نتیجه‌ی این وضعیت بروز یک دوگانگی و تضاد در گرایش‌های فرهنگی جوانان، به خصوص در ارتباط با کسانی است که به زبان انگلیسی آشنایی کامل دارند. از یک استاد دانشگاه در نظام آموزشی عربستان سعودی نقل قول شده‌است که گفته است: «انگلیسی و عربی در عربستان سعودی عوامل دارای ارزش نمادین و قدرت‌مندی هستند که مبین مدرن-سنتی، سکولار-مقدس، بیگانه-خودی می‌باشند.» این دو هم چنین بیانگر تضادی بین شیوه‌ی تدریس مدرن و سنتی است.

## سقوط اقتصادی

اوضاع اقتصادی در اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰ وقتی قیمت نفت شدیداً افت کرد، شروع به تنزل نمود. در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ ذخیره‌ی دارایی‌های خارجی سعودی در بالاترین میزان خود بود. اما یک دهه بعد در اوایل ۱۹۹۰ سرمایه‌گذاری‌های خارجی کشور به شدت نقصان پذیرفت. در ۱۹۹۸ وضعیت اقتصادی با پایین آمدن قیمت نفت تا حد ۱۱ دلار برای هر بشکه بازم بدتر می‌شود و درآمد کم نفتی، اتخاذ سیاست‌هایی را از سوی دولت برای کاستن از برنامه‌های تأمین اجتماعی الزامی ساخته است. مشکل آنی که سیاست مالی انقباضی به وجود آورده این است که چگونه می‌توان نیروی فزاینده‌ی جوانان سعودی را که وارد بازار کار می‌شوند، جذب نمود. بخش عمومی هم اکنون دچار تورم نیروست و ظرفیت بخش خصوصی در استخدام اتباع سعودی به دلیل عوامل متعدد فرهنگی و اقتصادی محدود است. دولت، بزرگ‌ترین نهاد استخدام‌کننده است که ۸۸ درصد نیروی کار را در بخش دولتی به کار گرفته و تنها ۱۲ درصد در بخش خصوصی شاغل هستند. اتباع سعودی در بخش خصوصی، بیشتر کسانی هستند که برای خودشان کار می‌کنند (صاحبان کسب و کار و تجارت و مدیران) و تنها تعداد کمی در کارهای سطح پایین تجاری استخدام می‌شوند. هرچند زنان هم در نیروی کار سعودی دیده می‌شوند اما درصد آنها به مراتب کمتر از مردان است. برطبق آمار سال ۱۹۹۵، با آن که ۵۵ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها زنان هستند اما آنها تنها ۵ درصد از کل نیروی کار را تشکیل می‌دهند.

عربستان سعودی به شدت به نیروی انسانی خارجی وابسته است. بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶، ارقام نشان‌دهنده‌ی ۵ درصد رشد سالانه‌ی تعداد کارگران خارجی است. کارگران خارجی تنها به امور جزئی اشتغال ندارند. آنها مهندس، دکتر، استاد دانشگاه و متخصصین فنی نیز هستند که کار آنها برای عملکرد همه‌ی بخش‌های دیگر اقتصاد کشور الزامی است. بنابراین جایگزینی آنها نه تنها نیازمند ایجاد تغییرات گسترده‌ی ساختاری در سیاست‌هاست بلکه مستلزم تغییرات اساسی مشخص در روحیه‌ی فارغ‌التحصیلان سعودی هم می‌باشد. طبقه‌ی وسیع مهاجران خارجی که توسط دولت در بخش عمومی اقتصاد شاغل

هستند، ۴۱ درصد جمعیت عربستان سعودی را تشکیل می‌دهند. انتظار نمی‌رود این رقم تا قبل از سال ۲۰۰۵ تغییر پذیرد. چنین وضعی موجب بروز برخی تنش‌های اجتماعی، به خصوص در شهرها- که ۷۸/۵ درصد از کل جمعیت سعودی در آن زندگی می‌کنند- شده‌است.

برنامه‌ی جایگزینی نیروی کار سعودی با هدف تقلیل نیروی کار غیرسعودی آن چنان که در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه‌ی اقتصادی آمده‌بود با توفیق کمی همراه بوده‌است. یک دلیل این است که در برنامه، افزایش تعداد نیروی کار غیرسعودی، وضعیت نیروی انسانی و مشکلات تحصیلی که همه در جهت خلاف افزایش اشتغال نیروی کار سعودی عمل می‌کنند پیش‌بینی نشده‌بود.

### فشار جهان‌گرایی

تجارب اجتماعی یک فرد است که طرز تلقی و هویت او را مشخص می‌کند. هرچند نسل جدید به طور گسترده در معرض آنچه که به سرعت جنبه‌ی فرهنگ جهانی را می‌باید قرار داشته‌است، اما روحیات ایشان به سمتی گرایش می‌یابد که به کلی با روحیات پدران آنها که از ثبات عقیدتی بیشتری برخوردار بودند، متفاوت می‌باشد. امروز نسل جدید به منبع بی‌انتهایی از اطلاعات که همه‌ی مرزهای تصور را در می‌نوردد مرتبط است، اما کلاس درس جهانی و زمین بازی جهانی در تفاوت کامل با ساختارهای اجتماعی سنتی است، ساختارهایی که بر رفتار مجاز افراد، محدودیت‌های شدیدی وضع می‌کنند. رادیو و تلویزیون، مسافرت و ماهواره تمایل فزاینده‌یی را به سمت مصرف‌گرایی مادی موجب می‌شوند. یک چنین فشار فرهنگی همراه با تغییر شکل علایق و هدف‌های شخصی روحیه‌ی فرهنگی جوانان سعودی را به شدت تغییر داده‌است.

در میان نسل جوان، دوگانگی پرابهامی در نحوه‌ی دید آنها به وجود آمده‌است. آنها شیفته‌ی علوم، فنون و اطلاعاتی هستند که دانش جدید با خود به همراه می‌آورد. از آن طرف آنها مترصد هستند که با نوسازی سنت‌های سعودی، راهی برای حفظ آرامش و امنیت خود



بیابند. تصور آنها از «سنت» به آنها اجازه می‌دهد با دنیای در حال تغییر و شاید پرمخاطره از یک موضع نسبتاً مطمئن برخورد نمایند. اما حفظ موازنه میان سنت کار مشکلی است.

### نتیجه

احساس اعتماد و اطمینان خاطر مبتنی بر هنجارهای خانوادگی و سنتی به آرامی در حال رنگ باختن است و جای خود را به تردید، تضاد و ابهام می‌دهد. کانال‌های ماهواره‌یی، به خصوص شبکه‌های عربی زبان مصر، لبنان، دوبی، قطر و همین‌طور برنامه‌های شبکه‌های آمریکایی به ایجاد مدل‌های شخصیتی جدید و در پیش گرفتن یک زندگی مادی‌گرا که حاصل آن ناآرامی و بی‌قراری ذهنی است، کمک می‌کنند. اما در چگونگی تطبیق مدل‌های شخصیتی سنتی با شرایط جدید ابهام‌ها و اشکالاتی وجود دارد. این سردرگمی بیشتر آنجا مشهود است که نسل جوان سعی دارد در زندگی خصوصی و عمومی، مزایای آرامش و امنیت زندگی سنتی را حفظ کند و در همان زمان برای استفاده از فرصت‌های جدید شغلی شیوهی متفاوتی را در پیش گیرد. با توجه به این اوضاع اگر قرار باشد هویت نسل جدید در هماهنگی با بقیه‌ی جامعه‌ی سعودی شکل بگیرد، باید به روی فضای بیشتری برای خودنمایی و رشد داده شود. برخورد مطمئن با تحولات فراگیر تنها از موضع اعتماد خاطر و یقین ممکن است که به نوبه‌ی خود تنها می‌تواند از اصول ارزشی اسلام ناشی شود که این اصول در عین حال از انعطاف‌پذیری لازم برای روبه‌رو شدن با تغییرات جهانی، برخوردار است. در جوانان از طریق آموزش و شبکه‌ی مستحکم خانوادگی، چنین بنیان فکری ساخته و پرداخته شده‌است. همین‌طور به آنها باید فرصت داده شود تا بتوانند خواستار تحولات باشند و تکلیف خود را نسبت به آنچه آنها «سنت» و «مدرنیته» می‌دانند مشخص نمایند. این دو، گذشته از هرچیز، پدیده‌هایی ایستا نیستند. نگاهی به تاریخ اسلام نشان می‌دهد که اسلام یک فلسفه‌ی مذهبی بی‌مانند و دارای قابلیت هم‌زیستی با دیگر فرهنگ‌ها و مذاهب است.



پڙهه ڪاھ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی